

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۰

سبک‌شناسی تاریخ شفاهی رمان ایران

(ص ۲۲۵ - ۲۱۳)

مجتبی رحماندوست^۱

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده:

امروزه تاریخ شفاهی یکی از روشهای مطرح و مؤثر برای تاریخ‌نگاری است. روشی که ماده تاریخی آن در فرآیند مصاحبه فعال به دست می‌آید، سپس در سبکها و قالبهای متفاوت به جامعه عرضه میگردد. در این میان دو پدیده «انقلاب اسلامی ایران» و «دفاع مقدس» خصوصاً پدیده دوم، ظرفیت بسیار بالایی را برای خلق اثر در این عرصه به وجود آورده است. مهمترین ویژگی کتابهای تاریخ شفاهی در ایران را میتوان «پیام ارزشمند»، «جزئی پردازی» و «جاذبه» آنها دانست که باعث شده است رکورد شمارگان کتاب را در تاریخ پنجاه ساله اخیر ایران شکسته و برای اولین بار در سطحی بسیار وسیعتر از قبل از آن استقبال شود. اگر ابزارهای رمان کلاسیک توصیف، صحنه، فلاش‌بک (flashback)، فلاش فورورد (flashForward)، باورپذیری، گذار، دیالوگ، شخصیت‌پردازی، کشش، کشمکش، تعلیق، جاذبه، نثر، زبان، نماد، حجم تعدد شخصیت و چندین مشخصه دیگر باشد، بعضی از کتب تاریخ شفاهی ایران خصوصاً تاریخ شفاهی دفاع مقدس علاوه بر داشتن این مولد برای جاذبه بسیار زیاد، جزئیات پردازی و حامل اندیشه‌ای متعالی نیز هستند و میتوانند در زمره و رده رمان جای گیرند؛ هرچند که برخلاف بسیاری از رمانهای غربی، عنصری مانند زمان، مکان، حوادث و اشخاص در آنها مستند هستند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، رمان، تاریخ شفاهی، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، جاذبه.

^۱ - دانشیار دانشگاه تهران؛ پردیس فارابی (نویسنده مسئول) (rahmandost@ut.ac.ir)

۱- مقدمه

بنابر تقسیمات سنتی، آثار گوناگون ادبی، بر اساس ویژگی‌های معنایی و محتوایی آنها به گونه‌های^۱ مختلفی تقسیم می‌شود. تاریخ پرفراز و نشیب بسیاری از کشورها هم به شکل متون تاریخی و هم در قالب گونه ادبی «رمان» به نسل‌های دیگر منتقل شده است. رمان، روایت منثور، مفصل و پیچیده‌ای است متکی بر واقعیت و آمیخته با تخیل هنری که در آن شخصیت‌های متعددی در طی حوادث متوالی و سازمان یافته، پرداخت می‌شوند. آنچه که در قالب رمان منتقل می‌شود رساتر و فراگیرتر از آن است که در کتاب‌های تاریخ، صریح و مستقیم، انتقال می‌یابد. «رمان، داستانی طولانی است که براساس تقلیدی نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انحاء تصویر جامعه را در خود منعکس کند.» (عرق ریزان روح، ص ۲۰۱) این گونه ادبی برای انتقال اندیشه در قالب جذاب داستان پدید آمده است.

رمان تاریخی آمیزه‌ای از اختراع و واقعیت است؛ در این گونه ادبی بازسازی گذشته تاریخی و غیرخیالی و رسوم و شرایطی که برای درک بهتر دیروز ضروری است با ماهیت غیرواقعی رمان و یا همان تخیل آمیخته می‌شود و حقیقت تاریخی با حقیقت مربوط به رمان که همان تخیل است، برای انتقال اطلاعات و یا ارائه ایده‌ای خاص، هم افزایی ایجاد می‌کند. «رمان به طرح گسترده، شخصیت پردازیهای قوی و ملموس و نیز ساخت و پرداختی هنری و هوشیارانه نیاز دارد» (ادبیات معاصر ایران، ص ۲۳). «رمان بومی یا رمان ناحیه‌ای، رمانی است که به کیفیت و مختصات جغرافیای بومی و ناحیه‌ای وفادار بماند و بر محیط و قلمرو خاصی تمرکز یابد. در رمان ناحیه‌ای، این قلمرو و مردمانی که در آن زندگی می‌کنند، به عنوان پایه و شالوده داستان به کار گرفته شده است.» (ادبیات داستانی، قصه، ص ۴۴۵)

بسیاری از رمان نویسان در تعریف رمان بر این عقیده‌اند که حقیقت یا واقع بینی اهمیت زیادی ندارد، لذا رمان نویس مجاز است که در پرداخت شخصیتها و حقایق تاریخی از اختیار و جعل بهره ببرد.

در سالهای اخیر کتاب‌های زیادی در ایران در قالب تاریخ شفاهی^۲ نگاشته و منتشر شده‌اند. این آثار در چهارچوب تعاریف کلاسیک غربی از رمان نمی‌گنجند؛ این کتابها دارای

^۱- Genre

^۲- Oral History

عصر قوی جاذبه بوده و مخاطبان، آنها را با همان کشش رمانهای جذاب و معروف جهان میخوانند. اسامی، اماکن، افراد و حوادث در این کتابها مصادیق عینی و واقعی دارند؛ لذا عنصر باورپذیری در آنها بسیار قوی و برجسته است.

«تاریخ شفاهی مجموعه تلاشهایی است که با بهره‌گیری از فنون و ابزارهای خاص خود به جمع‌آوری و حفظ داده‌های تاریخی حاصل از تجارب شخصی افراد و گروه‌های اجتماعی میپردازد. این داده‌های تاریخی در یک بستر خاص و پذیرفته‌شده فرهنگی و از تعامل و توافق میان مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر در یک گفتگو طرفینی حاصل میگردد.» (تاریخ شفاهی در ایران، ص ۸۰) حال سوال اینجاست که آیا گونه‌ای به نام «تاریخ شفاهی» یک گونه ادبی به حساب می‌آید؟ آیا میتوان برای کتابهای تاریخ شفاهی ارزش ادبی قائل شد؟ آیا این‌گونه کتابها را میتوان با رمان مقایسه و ارزیابی و حتی نامگذاری کرد؟

۲- عناصر رمان

۲-۱- همذات‌پنداری

مهم‌ترین عنصری که عامل اصلی تأثیرگذاری داستان بر مخاطب است، «هم‌ذات‌پنداری» است. اگر خواننده داستان هم‌ذات‌پنداری بیشتری با قهرمان اصلی یا فرعی یا هر یک از شخصیت‌های داستان پیدا کند، میزان تأثیرپذیری‌اش از او بیشتر میشود. «همذات‌پنداری به این همانی و همانند شدن و یکی شدن عناصر باز میگردد این مسئله به نحوی است که نه تنها بین آنان رابطه ایده آل دوطرفه برقرار میشود بلکه با یکدیگر هم هویت میشوند و به یک چیز بدل میگردند. در مکانیزم این همانی اشیاء، خواه این تماس مجاورت فضایی یا توالی زمانی باشد، خواه مشابهتی دور و خواه عضویت در یک طبقه یا نوع باشد، آنها دیگر اشیائی متعدد و متکثر نیستند بلکه وحدتی جوهری دارند. بنابراین، تفاوت برونی آن فقط نوعی حجاب یا صورتک است» (فلسفه صورتهای سمبلیک، ص ۱۲۵).

در واقع، رمان‌نویس تلاش میکند که همه عناصر داستانی را به گونه‌ای خلق کند که حداکثر مشابهت را با عالم واقع داشته باشد، شخصیت اصلی و شخصیت‌های فرعی، کپی‌برداری از افراد مشهود جامعه باشند، زمان و مکان رمان با زمان و مکان واقعی و بیرونی حداقل تفاوت را داشته باشد، نوع گفت‌وگوها (دیالوگ) به تناسب مختصات و ویژگی شخصیت‌های موجود در رمان که گفت‌وگو میکنند، بیشترین مشابهت را با شخصیت‌هایی، نظیر خود در عالم واقعی داشته باشد و حتی ادبیات و گفت‌وگوها به شخصیت‌های واقعی نزدیک باشد.

۲-۲- زاویه دید

زاویه دید یکی از مراحل پر پیچ و خم رمان است. چه بسا با انتخاب زاویه دید نادرست، نویسنده خودنمایی کند و با حسی کردن و نزدیک کردن اثر به مخاطب مغایر باشد. نویسنده دانای کل گرایش رمان را به سوی تلخیص و روایت میبرد و اگر انتخاب این زاویه دید درست نباشد به رمان لطمه میزند، در حالی که زاویه دید «منِ راوی» اگر درست در جای خود به کار رفته باشد، اثر را به خواننده نزدیک و حسی میسازد و به ایجاد هم‌ذات‌پنداری کمک میکند. استفاده از زاویه دید «منِ راوی» در مقایسه با زاویه دید «دانای کل» (چه دانای کل مطلق و چه دانای کل محدود) تأثیر بیشتری در برقراری ارتباط خواننده رمان دارد و نویسنده رمان جز در موارد ضروری که میخواهد فاصله اثر داستانی را با عالم واقع دورتر سازد، استفاده از زاویه دید دانای کل را ترجیح نمیدهد. «داستان و متون روایی معمولاً از زوایای مختلفی روایت میشود و اصولاً دو شیوه برای روایت مناسب است یکی شیوه سوم شخص و دیگری شیوه اول شخص مفرد. در طریقه اول نویسنده، خود را بیرون از صحنه داستان قرار میدهد و همچون رب النوعی، ماجراها و وقایعی را که بر اشخاص داستان میگذرد، به خواننده باز میگوید. در طریقه دوم، نویسنده در جلد یکی از اشخاص داستان، وقایع و حوادثی را که گویی خود شاهد و ناظرشان بوده و در آنها شرکت داشته، برای خواننده بیان میکند. البته شیوه‌های دیگری همچون تک‌گویی درونی، گفت و گو و زاویه دید نمایشی برای روایت وجود دارند. (هنر داستان نویسی، ص ۶۹)

۲-۳- سبک

غالباً نویسنده رمان استفاده از سبک واقع‌گرا^۱ را که به زندگی عادی مردم نزدیک‌تر است بر سبک‌های فرا واقعی و سیال ذهن و دیگر روش‌های متفاوت با واقعیت ترجیح میدهد.

۲-۴- شخصیت

رمان‌نویسان متبحر سعی میکنند قهرمانانی در رمان خود خلق کنند که حداکثر همانندی را با خوانندگان آثار آنها داشته باشند. معمولاً شخصیت‌های رمانها بر شخص خاصی تطبیق نمیکند، اما ایوان تورگنف^۲ رمان نویس مشهور روسی میگوید که «من ابدأ نمیتوانم کاراکتری به وجود آورم، مگر آنکه به عنوان نقطه شروع، مخیله خود را بر روی شخص زنده‌ای متمرکز کنم.» (ادبیات داستانی، ص ۳۹۶) همین نویسنده میگوید: «ظن من بر این است نویسندگانی

^۱- Real

^۲- Ivan Turgenev

که استفاده از اشخاص واقعی را در داستان انکار میکنند، یا خودشان را میفریبند و یا ما را.» (همان، ص ۳۹۷). «شخصیتهای رمانی درست، مثل من و شما از جنس ساکنان معمولی کره خاکی خودمان هستند؛ بدین معنا که در تاریخ معینی، در جامعه معینی زاده میشوند، در طول تاریخ معینی در جامعه معینی زندگی میکنند و در تاریخ معینی میمیرند و در خاک معینی دفن میشوند» (داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر، ص ۵۶).

شخصیتهای رمان، مصنوع و مخلوق ذهن نویسنده‌اند، اما از جنس همین بشر معمولی با حداکثر مشابهت با انسانهایی که در اطراف خود میبینیم. «یک نویسنده جدی فاش نمیکند که قهرمانانش از چه چیزها یا از چه کسانی - ساخته شده‌اند. وانگهی یک شخصیت رمانی، هرگز فرد واحد و مشخصی نیست، بلکه نوعی ترکیب است، آمیزه‌ای است از اشخاص گوناگون که رمان‌نویس با آنها سروکار داشته است» (ادبیات داستانی، ص ۳۹۴).

سامرست موآم^۱ در این باره میگوید: «اوستین دوسون^۲ حرف خوبی زده است که هنری فیلدینگ^۳ نویسنده رمان تام جونز^۴، به هیچ وجه وانمود نکرد که میخواهد نمونه‌های کمال انسانی را بیافریند، بلکه خواسته است تصاویری از مردم عادی بکشد. شاید بیشتر به شکل ناصاف و نپرداخته تا صیقل‌زده و پرداخته؛ طبیعی، نه مصنوعی» (لبه تیغ، ص ۲۴۰).

در واقع، نویسنده از میان کسانی که در طی زندگی خود با آنان آشنا شده است، فرد مناسبی را انتخاب میکند. آنگاه او را به کارگاه ذهن خلاق خود میبرد، چیزهایی از او میکاهد و چیزهایی بر او می‌افزاید و بدین ترتیب هیكل جاندار میسازد که هویت نهایی او، سایه روشنهای نهایی صورت و سیرت او، در پیوند با سایر عناصر داستان و در پاسخ به نیازهای آن عناصر، شکل میگیرد. لئو تولستوی در خلق کیتی^۵ در رمان آنا کارنینا، همسرش را الگو قرار داده است. امیلی برونته در خلق هیتکلیف^۶ در رمان بلندیهای بادگیر برادرش، برنول^۷ را. جیمز جویس^۸ در خلق استفن ددالوس^۹ در رمان تک‌چهره جوانی هنرمند شخص خودش

1- Somerset Maugham

2- Austin Dobson

3- Henry Fielding

4- Tom Jones

5- Kitty

6- Heathcliff

7- Barnwell

8- James Joyce

9- Stephen Dedalus

را و گوستاو فلوبر^۱ در خلق اِما بواری، در رمان مادام بواری یکی از آشنایانش به نام لوئز کولت^۲ را (داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر، ص ۱۹۰).

۲-۵- زمان و مکان

از آنجا که زمان و مکان لازم و ملزوم یکدیگر هستند، اهمیت دادن به زمان باعث میشود تا مکان نیز اهمیت یابد. اتفاق افتادن داستان و متون روایی در یک قطعه‌ای از جهان که آن را با ذکر نام مشخص میکنند، وحدت مکان را در پی دارد؛ و این پندار واقعیت را در خواننده به وجود می‌آورد و نیز باعث میشود تا به شخصیت‌های زنده و واقعی بر بخوریم که احساس ما را بر می‌انگیزانند. «برخلاف شکل‌های داستانی و نمایشی پیش از رمان که در آنها زمان و مکان در چگونه ساخته شدن منش و دگرگونی‌های بعدی شخصیت‌های داستان، نقش تعیین‌کننده‌ای نداشتند، زمان و مکان در رمان نقش سازنده و مهمی دارد تا آن حد که خواننده به‌وضوح حس میکند که شخصیت‌های رمان، محصول طبیعی زمان و مکانی است که در آن نشو و نما یافته و می‌پذیرد که چنین شخصیتی با چنین صفات و خصوصیتی، امکان نداشت در زمان و مکان دیگری پا به عرصه وجود بگذارد.» (ایرانی، ۱۳۶۴ش، ص ۵۸)

یکی از ویژگی‌های هر فرد معمولی و معین، این است که در زمان و مکان خاصی زیست می‌کند، یعنی در روز معینی در جای معینی، پا به دنیا می‌گذارد، مدتی در جا یا جاهای معینی به سر می‌برد و در روز معینی می‌میرد و در خاک معینی دفن می‌شود. این تولد و زندگی و مرگ در مکان و زمان معین، به علاوه‌ی نام کامل، هویت هر فرد خاص را مشخص می‌کند. به همین دلیل است که اطلاعات مربوط به این مشخصات را در شناسنامه و روی سنگ قبر هرکس درج می‌کنند تا هم زندگان از یکدیگر تمیز داده شوند و هم مردگان. شکل‌های داستانی پیش از رمان، چون عمدتاً به مبارزه‌های عام بشری می‌پرداختند، لزومی حس نمی‌کردند که زمان و مکان وقوع این مبارزه‌ها را دقیقاً توصیف و مشخص سازند. «داستان‌نویس آدم‌هایی عمدتاً مصنوع خلق می‌کند و محیط زیستی عمدتاً مصنوع (مصنوع نه مصنوعی) ولی آدم‌ها و محیط زیستی که علی‌رغم مصنوع بودنشان، ملموس و باورپذیرند» (داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر، ص ۱۴).

«از آنجا که شخصیت‌های رمان، افراد معمولی خاص هستند، رمان‌نویس باید:

^۱- Gustave Flaubert

^۲- Louise Colette

الف - مکان و زمان زندگی آنها را دقیقاً توصیف کند. گفته شده که تقریباً تمام جاده‌ها و سبزه‌زارهایی که شخصیت‌های مخلوق رمانهای تامس هاردی^۱ بر آنها گام نهاده‌اند، جاده‌ها و سبزه‌زارهای حقیقی است. تمام شهرها، روستاها، تپه‌ها و حتی بسیاری از خانه‌هایی که محل زندگی و آمد و شد آنان بوده است، شهرها و روستاها و تپه‌ها و خانه‌های حقیقی است. البته هاردی به این شهرها و روستاها و تپه‌ها، نامهای جعلی میدهد، مثلاً شهر آکسفورد را کرایست مینستر^۲ نامیده است و شهر دورچستر^۳ را کستربریج^۴. ولی خیابانها و ساختمانها و حال و هوای آکسفورد و دورچستر است، مو به مو.

ب - تأثیر زمان و مکان را بر شکل‌گیری اندیشه و منش و عمل آنان توضیح دهد. به عبارت دیگر، نشان دهد که شخصیتها محصول طبیعی زمان و مکان خویش هستند و شیرینی و گسی و تلخی آنان از خاکی برآمده است که در آن رویداده‌اند» (داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر، ص ۱۹۶).

۳- تاریخ شفاهی؛ رمان نوین ایران

با عنایت به تعاریف زیاد و متفاوت از رمان میتوان گفت رمان تعریف ثابتی ندارد. حدود چهارصد سال پیش پدیده ادبی رمان در غرب متولد شد «گفته میشود رمان با دن کیشوت اثر سروانتس اسپانیولی در خلال سالهای ۱۶۰۵ تا ۱۶۱۵ میلادی تولد یافته است» (ادبیات داستانی، قصه، داستان کوتاه، ص ۳۸۵)؛ نظریه‌پردازان ادبیات و منتقدان ادبی آن را تعریف کردند و عناصر و ابزارش را برشمردند و از توصیف، صحنه، فلاش‌بک^۵، فلاش فورواردها^۶، باورپذیری، گذار، دیالوگ، شخصیت‌پردازی، کشش و کشمکش و تعلیق و جاذبه و نشر و زبان و عنصر شگفت‌انگیزی و نماد و حجم و تعدد شخصیت و چندین مشخصه دیگر سخن به میان آوردند و به اقتضای زمان و علایق مخاطب، گونه‌های جدیدی به نام رمان نو یا مدرن، رمان پسامدرن، رمان سیال ذهن و رمان رئالیسم جادویی آفریدند و تعاریف رمان کلاسیک را درهم ریختند و تعاریف جدید ارائه کردند. به عنوان نمونه «لورنس استرن پیشگفتار اهداییه رمان مشهورش به نام زندگی و عقاید آقای تریسترام شندی را به جای اینکه در اول کتاب

1- Thomas Hardy

2- Christ Minste

3- Dorchester

4- Casterbridge

5- Flashback

6- FlashForward

بیاورد در وسط کتاب می آورد، یک فصل از کتابش را حذف میکند و بعد محتوای آن را در جای دیگری، برای خواننده بازگو میکند همچنین او طوری از نحوه مرسوم نوشتن، خواندن، چاپ و نیز تفاوتی که بین زمان داستان گویی و مدت زمانی که طول میکشد تا خواننده آن مطالب را بخواند استفاده میکند تا خواننده را بخنداند» (رمان چیست، ص ۹۹).

در یک دهه اخیر کتابهای بسیاری در ایران -در قالب تاریخ شفاهی- چاپ شده اند که گزارش لحظه به لحظه از حوادث مستندی هستند که در زمان و مکانی معین، اتفاق افتاده و به وسیله افرادی قابل رؤیت ثبت و نگاشته شده اند. این کتابها سرشار از عناصر داستانی بوده و بسیاری از ویژگیهای رمان را دارند و در قالبی شیوا، اندیشه تنیده شده در لایه‌های اثر را به خواننده‌ای که با حرص و ولع در کش و قوس حوادث قرار میگیرد، منتقل میکنند. با در نظر گرفتن تعاریف غربی از رمان که عناصری مانند زمان، مکان، حوادث و اشخاص را غیر مستند یا در خوشبینانه حالت نزدیک به واقعیت دانسته‌اند، بعضی از صاحب نظران ادبیات داستانی تنها دلیل برای رمان محسوب نکردن این کتابها را، مستند بودن آنها اعلام میکنند. جاذبه، کشمکش و تعلیق در تعدادی از این کتابها به گونه‌ای است که باعث شده در فرصتی کوتاه به تیراژ بسیار بالایی دست یابند و به زبانهای مختلف ترجمه شوند.

کتابهای تاریخ شفاهی پرجاذبه‌ای، مانند «دا»^۱، «پایی که جا ماند»^۲، «من زنده ام»^۳ و «احمد احمد»^۴ به اقتضای زمانه (پس از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس) و گرایش مخاطبان، تعریفی جدید از رمان ارائه کرده‌اند. این کتابها و نظایرشان ارائه‌کننده گونه جدیدی از رمان هستند که میتوان گفت، رمانهای نوین ایران به حساب می آیند.

برای نمونه، کتاب «دا» پر است از ابزارها و عناصر رمان کلاسیک، مانند حجم کتاب، فراوانی کم‌نظیر شخصیتها، شخصیت‌های مثبت و منفی، شخصیت‌پردازی و توصیف، فلاش‌بک، دیالوگ، روایت، صحنه، گذار، کشش و تعلیق و جاذبه، عنصر شگفت‌انگیزی، نثر شیوا و متناسب با اثر. در این کتابها «مکانهای واقعی و خاطرات ملموس به عنوان واقعیات ارائه میشود و نویسنده دائما به حقایق، واقعیات و چیزهای موجود متوسل میشود، علاوه بر این،

۱- دا، سیده اعظم حسینی، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷ش.

۲- پایی که جا ماند، سید ناصر حسینی پور، سوره مهر، تهران، ۱۳۹۰ش.

۳- من زنده ام، معصومه آباد، نشر بروج، تهران، ۱۳۹۲ش.

۴- خاطرات احمد احمد، محسن کاظمی، سوره مهر، تهران، ۱۳۷۹ش.

همه اینها در جهان هم عصر ما قرار داده شده است و نه در جهانی موهوم و من درآوردی» (رمان چیست، ص ۹۹).

عامل دیگری که این کتاب و کتابهای مشابه را به رمان نزدیک میکند و آنها را از رمان هم فراتر میبرد، «باورپذیری» است. نظریه‌های ادبیات داستانی کلاسیک برای قابل باور بودن رمان برای مخاطب، رعایت اصل علت و معلولی را به نویسنده توصیه میکنند و بر این باورند که اگر سبک نگارش رمان از باورپذیری آن بکاهد، رمان نیز جاذبه خود را از دست خواهد داد. «این حقیقت که ادبیات داستانی بر اخلاق و آرمانهای مردم جهان اثر گذاشته است ثابت میکند که خوانندگان با وجود اینکه حوادث و شخصیت‌های داستانی را راست و واقعی نمیدانند داستانهای ابداعی را جدی میگیرند» (درس‌هایی درباره داستان نویسی، ص ۱۳۱).

نویسنده تلاش میکند به هنگام خلق شخصیت‌های رمان، زمان، مکان، حوادث و سایر عناصر رمان، مختصات عوامل مصنوع و مخلوق او، قرابت بیشتری با شخصیت خوانندگان رمان و زمان و مکان و حوادث و دیگر مختصات واقعی زندگی آنها داشته باشد و به طور خلاصه، زندگی جاری در رمان با زندگی جاری در واقعیت خارجی، بیشترین مشابهت را داشته باشد، باورپذیر باشد، رابطه علی - معلولی و زندگی طبیعی در رمان جاری باشد تا خواننده هم‌ذات‌پنداری و ارتباط روحی بیشتری با ماجرای رمان و شخصیت‌های آن پیدا کند و تأثیر بیشتری ببیند، اگر شخصیت‌های رمان و حوادث و زمان و مکان آن، ماورائی و از زندگی معمولی مردم فاصله زیادی داشته باشند، آن اثر دیگر با تعریف رمان تطبیق نمیکند و تأثیر محسوسی بر زندگی خواننده نخواهد داشت، «اگر نویسنده رمان نویس ماهری باشد، میتواند به مطالب نامحتمل، احتمال صحت ببخشد.» (لبه تیغ، ص ۲۳۳).

برخی از کتابهای تاریخ شفاهی سالهای اخیر در ایران رمان را پشت سر گذاشته‌اند. این کتابها و سایر رمان‌های مستندی که خواننده، در ضمن خواندن آنها صد درصد مطالب یا درصد بالایی از آنها را باور میکند و میپذیرد و بدون هیچ تلاش روحی و روانی برایش قابل قبول تلقی میشود، میتوانند از رمان هم فراتر باشند.

در رمانهای کلاسیک غربی و نمونه‌های ایرانی آن که به همین شیوه نوشته شده‌اند، بسیاری از مشکلاتی که قهرمان داستان و رمان بر آنها فائق می‌آید، تخیلی و غیر واقعی است، زیرا مخلوق ذهن نویسنده است اما در کتابهای جدید تاریخ شفاهی ایران، این مشکلات واقعی است و قهرمان اثر بر مشکلات بزرگ زندگی خود فائق می‌آید و به خواننده میگوید: «میتوان»، «ممکن است»، «محال نیست» حتی میفهمد که با نداشتن امکانات، چگونه و با چه روشهایی

میتوان بر مشکلات بزرگ فائق آمد، با روشهای موفق و ناموفق آشنا میشود و خلاصه هم بر تجربه خواننده می‌افزاید و هم بر یقین او. در واقع کتب تاریخ شفاهی پرجاذبه جوانان را از تجارب پیران بهره مند میسازد. مخصوصاً که اول این کتابها نوشته نمیشود: «تشابه اسامی، اماکن و افراد و حوادث با مصادیق عینی و واقعی، اتفاقی است».

از سوی دیگر با دیدن فرد صاحب‌خاطر، موضوع کتاب و حوادث آن برای خواننده کتاب تاریخ شفاهی کاملاً عینی، حسی، تجربی و مشهود میگردد و دسترسی به تجربه او، امکان پذیر تلقی میشود، اثر و خالق آن کاملاً زمینی و محسوس میگردد و ترس خواننده اثر از ورود به کارهای بزرگ فرو میریزد و مناسب‌ترین مصداق برای این جمله فلسفی است که میگوید «بهترین دلیل برای امکان چیزی، وقوع آن است». حال سوال این است که مگر شخصیتها و حوادث بسیاری از رمانها اقتباس از شخصیتها و حوادث مستند نیست و مگر شخصیت داستانی، احتمالاً ترکیبی از چند شخصیت مستند نیست؟ چه بسا خواننده هم خبر دارد و رد پای شخصیتهای واقعی و حوادث و زمان و مکانهای رمان را حدس میزند اما در عین حال آن را رمان میدانند، یکی از عوامل تأثیرگذاری بیشتر تاریخ شفاهی که هم جاذبه اثر را بیشتر میکند و هم به ترویج اندیشه اثر کمک میکند، مستند بودن تاریخ شفاهی است چه بسیار شاهد بوده‌ایم که خواننده کتاب تاریخ شفاهی در پایان مطالعه میپرسد قهرمان این اثر زنده است یا درگذشته است و اگر زنده باشد عموماً خواننده مشتاق است که قهرمان را ببیند و در صورت دیدار خواننده اثر و راوی کتاب، تأثیر گذاری کتاب تاریخ شفاهی چندین برابر میشود اما آیا به صرف اینکه خواننده زمان و مکان و حوادث مندرج در کتاب را دقیقاً بشناسد، آن کتاب از رمان بودن می‌افتد؟ شاید علت اینکه غرب به خلق یک گونه به نام «رمان» رو می‌آورد این است که نویسنده رمان اشخاص و حوادث مستندی که ظرفیت خلق یک رمان مفصل را دارا باشد، نداشته و یا آمادگی لازم برای گفتگو پیرامون یک یا چند شخصیت یا یک حادثه مهم را نداشته تا جزئیات آن را در قالب تاریخ شفاهی ارائه کند؛ بنابراین به ترکیب شخصیتها و خلق شخصیت داستانی خیالی و ترکیب حوادث پراکنده و خلق مجموعه‌ی حوادث منسجم خیالی لازم برای خلق یک رمان مبادرت کرده تا بتواند آنچه را در صدد گفتن آن است، در قالب رمان بگوید. حال اگر ما در ایران این ظرفیت را داشته باشیم که یک شخصیت یا یک حادثه، بتواند عامل خلق یک داستان پرجاذبه قرار گیرد و نیازی به ترکیب شخصیتها و خلق شخصیت و قهرمان خیالی نداشته باشیم، در واقع سرمایه‌ی اولیه‌ی یک رمان خوب را در قالب یک قهرمان واحد، اما مستند و یک حادثه‌ی واحد یا حوادث

واقعی مستند و منسجم، در دست داریم و میتوانیم رمان جذابی، نظیر کتابهای تاریخ شفاهی جدید بنگاریم. کتابهای «نورالدین پسر ایران»^۱، «خاطرات عزت شاهی»^۲، «سالهای بی قرار»^۳، «من زنده‌ام»^۴ و «دا»^۵ از بهترین نمونه‌های این گونه کتب محسوب میشوند. حال اگر در میان پدیده‌های مهم جهان و حوادثی مانند جنگهای جهانی اول و دوم، حادثه ۱۱ سپتامبر، سونامی ژاپن، انقلاب فرانسه و یا فروپاشی شوروی سابق و یا آپارتاید و نیز در میان شخصیت‌های مثبت و منفی تاریخ جهان افرادی مانند هیتلر و موسولینی و از سوی دیگر چهره‌های تأثیرگذاری همچون چگوارا، فیدل کاسترو، سید حسن نصرالله موضوع خلق کتب تاریخ شفاهی و رمان به معنای این مقاله قرار گیرند و راویان توانمندی که بتوانند این حوادث یا شخصیتها را در قالب کتابهایی پر جاذبه به خوانندگان کتاب ارائه دهند، این ظرفیت در مورد آنان نیز صدق میکند.

بنا بر تعریف رایج فعلی اگر بنا بر تعریف رمان غربی خصوصاً اروپایی از رمان کلاسیک، وجود عناصر داستانی در یک کتاب، آن را به رمان نزدیک میکند و مستند بودن آدمها و زمان و مکان و حوادث، آن را از رمان دور میکند و مانع از نامگذاری آن به رمان میشود، باید گفت؛ که تعاریف مختلف از رمان ذوقی است و ما میتوانیم کتب تاریخ شفاهی جدید ایران را در تعریف جدید خود، رمان بدانیم که به تعریف رمان تاریخی نزدیک است؛ زیرا رمان تاریخی بین تاریخ و ادبیات قرار گرفته و میتواند وقایع را با نشاط و تحرک بیشتری، بدون اصرار بر گزارش صرفاً تاریخی، روایت کند و توضیح دهد، میتواند گذشته را احیا کند و انگیزه‌های درونی شخصیت‌های اصلی یک دوره و یا جامعه را بشکافد و در یک کلام به درون آنها راه یابد. بنابراین بین تاریخ و ادبیات ناسازگاری وجود ندارد: تاریخ مستلزم نظم، درستی و دقت است اما رمان با تخیل و تصور همراه است. اینجاست که میتوان گفت حضور عناصر تاریخی در یک اثر ادبی، نه تنها شأن ادبی و هنری آن را از بین نمیرد، بلکه سهم بسیاری در آرایش و غنای آن دارد. در کتابهای تاریخ شفاهی ایران این عنصر ادبیات و تاریخ

۱- نورالدین پسر ایران، معصومه سپهری، سوره مهر، تهران، ۱۳۹۰ش.

۲- خاطرات عزت شاهی، محسن کاظمی، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۵ش

۳- سالهای بی قرار، محسن کاظمی، سوره مهر، تهران، ۱۳۹۱ش.

۴- من زنده‌ام، معصومه آباد، نشر بروج، تهران، ۱۳۹۲ش.

۵- دا، سیده اعظم حسینی، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷ش.

به میزان درست و به شیوه مناسب به طور هنرمندانه‌ای با یکدیگر آمیخته شده‌اند و تعمد در ارائه زمان مستند و معین به دلیل آن است که از فضای قالبی به نام رمان که معمولاً با جاذبه همراه است برای افزایش آگاهی از واقعیت‌های تاریخی، استفاده شود.

۴- نتیجه‌گیری

رمان تعریف ثابتی ندارد. تعاریف ارائه شده برای آن هر کدام بر نوعی از رمان قابل تطبیق است و جامع و مانع نیست. عناصری مانند زمان، مکان، حوادث و اشخاص در برخی از رمانها مستند نیست و در برخی دیگر یا مستند و منطبق با واقعیت است و نویسنده به مستند بودن آن توجه نداده است و یا اقتباسهایی از مواد مستند هستند.

کتابهای تاریخ شفاهی ایران از ابزارها و عناصر رمان کلاسیک، مانند حجم اثر، فراوانی بسیار زیاد شخصیتها، شخصیت‌های مثبت و منفی، شخصیت‌پردازی و توصیف، فلاش‌بک، دیالوگ، روایت، صحنه، گذار، کشش و تعلیق و جاذبه، عناصر شگفت‌انگیز، نثر شیوا و متناسب با اثر برخوردارند اما بر خلاف بسیاری از رمانهای کلاسیک حامل اندیشه‌ای متعالی بوده و زمان، مکان، حوادث و اشخاص در آن منطبق بر حقیقت و واقعیت است. لذا این کتابها با ارائه گونه جدیدی از رمان، آن را به اقتضای زمان خود باز تعریف کرده است که میتوان این کتابها را رمانهای نوین ایران نامید به ویژه که از مهم‌ترین عنصر تعریف رمان یعنی جاذبه، کشش و کشمکش و تعلیق برخوردارند.

منابع و مراجع

- ۱- ادبیات داستانی، جمال میر صادقی، نشر ماهور، تهران، چ دوم، ۱۳۷۰ ش.
- ۲- ادبیات داستانی، قصه، داستان کوتاه، رمان، جمال میر صادقی، نشر آسمان، تهران، چ دوم، ۱۳۶۵ ش.
- ۳- ادبیات معاصر ایران، محمد رضا روزبه، نشر روزگار، تهران، چ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۴- پایی که جا ماند، سید ناصر حسینی پور، سوره مهر، تهران، چ اول، ۱۳۹۰ ش.
- ۵- تاریخ شفاهی در ایران، ابوالفضل حسن آبادی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، چ اول، ۱۳۸۵ ش.
- ۶- خاطرات احمد احمد، محسن کاظمی، سوره مهر، تهران، چ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۷- خاطرات عزت شاهی، محسن کاظمی، سوره مهر، تهران، چ اول، ۱۳۸۵ ش.
- ۸- دا، سیده اعظم حسینی، سوره مهر، تهران، چ اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۹- داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر، ناصر ایرانی، شرکت افست (سهامی عام)، تهران، چ اول، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۰- در سهایی درباره داستان نویسی، بی‌شاپ لئونارد، ترجمه محسن سلیمانی، نشر زلال، تهران، چ اول، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۱- رمان چیست، محسن سلیمانی، انتشارات سوره مهر، تهران، چ اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۲- سالهای بی‌قرار، محسن کاظمی، سوره مهر، تهران، چ اول، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۳- عرق ریزان روح، جمال میر صادقی، انتشارات نیلوفر، تهران، چ اول، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۴- فلسفه صورتهای سمبلیک، ارنست کاسیرر، ترجمه یدالله موقن، انتشارات هرمس، تهران، چ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۵- لبه تیغ، ویلیام سامرست موآم، ترجمه مهرداد نبیلی، انتشارات امیر کبیر، تهران، چ اول، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۶- من زنده ام، معصومه آباد، نشر بروج، تهران، چ اول، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۷- هنر داستان نویسی، ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه، تهران، چ دهم، ۱۳۸۸ ش.